



یک پیام به طرف آمریکایی!

عیسی سحرخیز، فعال سیاسی و مطبوعاتی در یادداشتی درخصوص مذاکرات ایران و آمریکا نوشت: «روند گفت‌وگوهای دوجانبه ایران و آمریکا تاکنون «مثبت» و «سازنده» بوده و این امید را در دل اغلب ایرانیان ایجاد کرده که «تحولی در راه است.» آقای ترامپ در اکثر سخنرانی‌های خود تلاش داشته است تا نشان دهد مردم ایران را ملتشی «متمدن» و «فرهیخته» می‌داند و برای آن‌ها «حساب ویژه» باز کرده است.» وی با بیان اینکه آمریکایی‌ها می‌خواهند با ایران همدل باشند، نوشت: «فارغ از تهدیدهای گاه و بیگاهی که هزارچندگاه یک بار به صورت مستقیم و غیرمستقیم مطرح می‌شود و حاکمیت ایران را نشانه می‌گیرد، باز اغلب مقام‌های کاخ سفید، جز آن‌ها که با بی‌بی‌بیسته‌اند، تلاش دارند همدلی خود را با ملت ایران نشان دهند. آن‌ها باید به این دو ضرب‌المثل ایرانی توجه کنند که «دو صد گفته چون نیم کردار نیست» و «بی‌مایه فطیر است!» سحرخیز افزود: «آب این سخنان این است که اگر دولت ترامپ «صادق» است و از ته دل برای مردم ایران «احترام» قائل است، در عمل باید به مسئله «معیشت» و «رفاه» آن‌ها توجه نشان دهد و این اقدام در کوتاه‌مدت جز برداشتن «تحریم‌های اقتصادی» به صورت «هوشمند و روشمند» امکان‌پذیر نیست.» سحرخیز اضافه کرد: «هرچند تا اینجای کار روند «مثبت» و «سازنده» مذاکرات دوجانبه ایران و آمریکا بر روی بازار سهام و معاملات ارز و طلا اثر گذارده است که خود به خود در میان مدت و بلندمدت بر روی سطح عمومی قیمت‌ها و قدرت خرید مردم ایران اثر گذارده و بر میزان «رفاه» و «سلامت» و... آن‌ها خواهد افزود، اما این کافی نیست و باید به صورت «حساب‌شده» در جهت «لغو تحریم‌ها» و «آزاد ساختن پول‌های بلوکه‌شده ایرانیان»- نه از دید دولت‌های خارجی، «حاکمیت ایران»- اقدام شود.»

او تأکید کرد که به همین دلیل دولت ترامپ در جهت «منافع ملی ایرانیان»، به‌هیچ‌وجه نباید «رفع تحریم» را با «بحث هسته‌ای» گره بزند و نوشت: «همانگونه که نباید بر روی آمد و شد ایرانیان به خاک آن کشور «محدودیت پیوهد» اعمال کند. طرف آمریکایی باید این نکته را به خوبی درک کند که چنین اقدام‌های «مثبت» و «موثری» موجب خواهد شد تا افکار عمومی ایران و حاکمیت بیش از پیش در مسیر بهمود «روابط واشنگتن و تهران» که اکنون به یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های اغلب کشورهای منطقه نیز تبدیل شده است، گام‌های بیشتر و موثرتری بردارد.»

سحرخیز با اشاره به اینکه دولت ترامپ نه تنها باید روی سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در ایران حساب کند، بلکه باید بداند هیچ کشوری جز ایران نمی‌تواند نقش کلیدی «هاب منطقه‌ای» را برای سرمایه‌گذاران این کشور باز کند، ادامه داد: «در شرایط «کوتاه شدن دیوار بی‌اعتمادی‌ها»، ایران همانگونه که نقش چهارراه استراتژیک را در منطقه بازی می‌کند، علاوه بر بازار بزرگ خود، پل ارتباطی مهمی برای «دسترسی آسان» و «گسترده» به بازارهای قفقاز و آسیای میانه، افغانستان و عراق و حتی کشورهای عربی جنوب خلیج فارس خواهد بود، جایی که آمریکا هر روز بیشتر جای خود را به رقیب اقتصادی اصلی خویش، چین، واگذار کرده و خواهد کرد. این گنج ارزشمند را نباید نادیده گرفت، چون کلید دسترسی به «قلب ایرانیان» است.»



ملاک مذاکرات عزت و اقتدار ایران باشد

احد بیوته، نماینده اردبیل با اشاره به مذاکرات ایران و آمریکا گفت: «تیم مذاکره کننده، عزت و اقتدار ایران و ایرانی را در مذاکرات ملاک قرار دهد؛ همین مردم پشتوانه این مملکت بوده‌اند و اکنون شما باید در مذاکرات اقتدار ملی این مردم را الگوی رفتار خود قرار دهید.»

فقط بیسانیمه دادن؟

بررسی کنش‌گری احزاب در گفت‌وگو با اعضای ارشد سه حزب



نخستین شورای مرکزی خانه احزاب با رئیس‌جمهوری/ عکس: president

فرهاد فخرآبادی
خبرنگار گروه سیاست

اگر به روند فعالیت‌های سال گذشته مهم‌ترین احزاب در ایران نگاهی داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که آنها در زمینه نوشتن بیانیه بسیار فعال هستند. شاید جالب توجه باشد که بدانیم از ابتدا تا انتهای سال ۱۴۰۳، هشت حزب و گروه مهم و تاثیرگذار ایران، (اتحاد ملت، توسعه ملی، کارگزاران سازندگی، ندای ایرانیان، اعتدال و توسعه، موله اسلامی، جبهه پایداری و شریان) اقدام به انتشار ۹۷ بیانیه کردند؛ به عبارتی می‌توان گفت آنها تقریباً هر ۴ روز یک بیانیه صادر کرده‌اند. اما سؤال این است که در بین این همه نوشتن، آیا احزاب ایران از تحلیل واقعه فراتر رفته‌اند؟ در نوشتن‌های خود چه نسخه قابل اجرایی را برای کشور همراه آورده‌اند و به مجموعه دولت و حاکمیت سیاسی ارائه کرده‌اند و اصولاً اگر هم چیزی ارائه شده، چقدر قابلیت عملیاتی شدن داشته و به اجرا درآمده است؟ این موارد را می‌توان ابهاماتی دانست که پیرامون روند فعالیت و نقش آفرینی احزاب در ایران وجود دارد، در واقع بیانیه نوشتن آنها برای چه چیزی است؟ آیا تنها می‌نویسند که بگویند ما نوشته‌ایم و گفته‌ایم و یا اینکه از دل این نوشتن‌ها به دنبال کار کارشناسی اثرگذار هم بوده‌اند؟ چنانچه شاید اگر این نسخه‌ها و برنامه‌ها در سطح اجرایی تدوین شده و در اختیار مردم قرار گرفته و قابل ارزیابی برای آنها هم باشد؛ به مرور با درک تفاوت احزاب و رویکرد نظری و عملی آنها جایگاه خود احزاب هم در جامعه مشخص تر شود و حتی این جایگاه ارتقا یابد. در این ارتباط، عباس موسایی (عضو دفتر سیاسی حزب توسعه ملی)، سعید نورمحمدی (قائم مقام حزب ندای ایرانیان) و امیررضا واعظ‌آشتیانی (عضو شورای مرکزی حزب مولفه) ۳ فعال حزبی بودند که به سوالات هم‌میهن پاسخ دادند که در ادامه می‌آید:

احزاب ایران طی سال‌های اخیر بیانیه‌های زیادی را نوشته و منتشر کرده‌اند؟ چقدر احزاب در بیانیه‌نویسی‌هایی که داشته‌اند از تحلیل واقعه جلوتر رفته و به دنبال ارائه پیشنهاد قابل اجرا در کشور بوده‌اند؟

امیررضا واعظ‌آشتیانی: یک نکته‌ای را در ابتدا بگویم که شامل تمام احزاب ایران می‌شود. موضوع این است که احزاب ما تولید محتوا ندارند، وقتی هم تولید محتوای می‌کنند، بیشتر در حقیقت خودنویسی است یعنی محتوایی که بتواند در حوزه‌های مختلف کمک کند، نیست. ضمن اینکه احزاب ما صرفاً سیاسی هستند و همه چیز را سیاسی نگاه می‌کنند. در صورتی که احزاب دنیا مثل یک دولت در سایه عمل می‌کنند و در حوزه‌های مختلف صاحب‌نظر هستند. وقتی هم که دولت دستشان می‌افتد و یا مجلس در رد یک حزب قرار می‌گیرد، چون از دل احزاب بیرون آمده‌اند، تئوری دارند ولی در ایران اینطور نیست. تنها جایی که می‌تواند هم تولید محتوا کند و هم تربیت نیروی انسانی برای زمامداری در بخش‌های مختلف داشته باشد، احزاب هستند. دولت‌ها به صورت موسمی می‌آیند و می‌روند. احزاب هستند که این وظیفه مهم کادرسازی در بخش‌های مختلف کشور را بر عهده دارند. تئوری و نظریه دارند و نظریات‌شان هم مبتنی بر نگاه کارشناسی است. ولی احزاب ما صرفاً همه چیز را سیاسی می‌بینند، به خاطر همین موضوع، دعوای‌های سیاسی در کشور ما اینقدر زیاد است. یعنی بیش از ظرفیت کشور ما دعوای سیاسی داریم و بیانیه‌نویسی هم بخشی از آن داستان است. ضمن اینکه احزاب ما، احزاب کارآمد نیستند و اجرایی که بخشی از جامعه را به دنبال خودشان داشته باشند، نیستند. موضوع و مشکل همین جاست و به خاطر همین، نه در انتخابات مجلس و نه انتخابات ریاست جمهوری، هیچ تحلیلی وجود ندارد که چه کسی رای می‌آورد.

نشین‌ها، از گفتن بازماند زیرا این بیانیه‌ها در هر حال مخاطب خود را در میان افکار عمومی پیدا خواهد کرد و تأثیر خود را هر چند در درازمدت خواهد داشت.

سعید نورمحمدی: اساساً ساختار سیاسی ایران به احزاب این فرصت را نمی‌دهد که فراتر از مطالبه‌گری و بیانیه و اعلام موضع اقدامی انجام دهند. زمانی یک حزب می‌تواند دیدگاه‌ها و اولویت‌های برنامه‌ای خود را تبدیل به اقدام اجرایی کند که بتواند در قدرت نقش آفرینی حزبی کند. اما در عمل احزاب درون ساختار سیاسی، چه اصول گرا و چه اصلاح‌طلب امکان این را ندارند که بتوانند با حضور کاندیدایی اختصاصی و حزبی در انتخابات شرکت کنند و دیدگاه‌های خود را به رای مردم بگذارند. به جز انتخابات سال ۹۶ که آقای میرسلیم توانستند به عنوان کاندیدای حزب مولفه در انتخابات حضور پیدا کنند، در دو دهه گذشته هیچ کاندیدای حزبی‌ای در انتخابات ریاست جمهوری تأیید صلاحیت نشده است. در بهترین حالت، احزاب اقدام به حمایت از کاندیداهای همسو می‌کنند که در مسائل کلی با آنها هم‌نظر است. مثل حمایت احزاب اصول گرا از شهید رئیسی و محمود احمدی نژاد و حمایت احزاب اصلاح‌طلب از حسن روحانی و مسعود پزشکیان. در این شرایط احزاب نه تنها ضمانت اجرایی برای اجرای دیدگاه‌های خود را ندارند بلکه اساساً نمی‌توانند از فرصت انتخابات برای ارائه دیدگاه‌های خود استفاده کنند. این یک بی‌انگیزگی در احزاب ایجاد می‌کند که باعث انفعال و خمودگی آنها می‌شود. در بهترین حالت احزاب می‌توانند اقدام به مطالبه‌گری و صدور بیانیه یا در حالت بهتر، برگزاری جلسات با مسئولین نمایند.

با توجه به اینکه احزاب معمولاً باید کادرسازی کنند و الان احزاب ما مملو از مدیران سابق و دیپلمات و سفیر هستند، چقدر نسخه مدون برای خروج از بحران‌ها و همان مواردی که نسبت به آن بیانیه نوشته می‌شود در حزب متبوع شما وجود دارد؟

مولفه‌ها است. اما اینکه عده و غده برخی از این احزاب برگرفته از افراد اجرایی بوده است، اینطور بگویم که برخی از این افراد، فقط برای خودشان رزومه درست کرده‌اند؛ یعنی تئوری و تفکری برای اینکه یک حزب را تکان دهند، ندارند و فقط اسم هستند. این اسم هم به علت این است که چیزی ندارند، فقط در یک مقطعی، از اجرایی، در جاهایی قرار گرفته‌اند که نباید قرار می‌گرفتند و در کارشان افراد موقتی هم نبودند و ما فکر می‌کنیم اینها تئورسین‌های بسیار قوی در بخش‌های مختلف هستند. اشکال این است که در احزاب از نیروهای کارآمد استفاده نمی‌شود و کادرسازی نمی‌کنند. یعنی یک گروه خاص، خودشان دور هم جمع می‌شوند و فکر می‌کنند که عقل کل هستند. علت اینکه احزاب در ایران، در جایی زنده همین است؛ علت اینکه جامعه به دنبال‌شان نمی‌رود همین است. باید آسیب‌شناسی کرد که چرا احزاب نمی‌توانند در ایران رشد کنند. اجزایی هم داریم که اسم و رسم هم دارند ولی همه آنها در یک مینی‌بوس جامی‌شوند. به اینکه حزب نمی‌گویند. حزب باید از افرادش در تمام موضوعات نظریه بگیرد و بتواند استفاده کند. احزاب تنها جایی هستند که مجاناً می‌توانند تفکر بخش‌هایی از افراد خردمند را جذب کرده و از آنها استفاده کنند ولی این هنر را هم ندارند.

و نیز شناخت همه‌جانبه نسبت به موضوعات و ارائه تحلیل درست و منطقی، از کارشناسان حوزه‌های مختلف، کمک می‌گیرد. کارشناسان برجسته حوزه‌های سیاست خارجی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان مشاور برای اتخاذ مواضع کمک می‌کنند. تحلیل و ارزیابی مواضع حزب و اینکه تا چه حد واقع‌بینانه و پاسخ به شرایط کشور و متضمن منافع و مصالح ملی بوده‌اند را به مخاطب منصف و می‌گذارم. البته به‌نظر مخاطب این پرسش باید حاکمیت و دولت باشند و پاسخ دهند که به چه میزان از نتوان احزاب استفاده می‌کنند. متأسفانه شاکله حاکمیت و دولت‌ها حتی آنهایی که به کمک احزاب سر کار آمده‌اند (مانند دولت پزشکیان)، اعتقاد چندانی به احزاب ندارند و حتی عضویت در احزاب را مانعی برای حضور در ارکان دولت می‌دانند و بیانیه‌هایی که کمک به دولت برای حل مسائل است را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند.

سعید نورمحمدی: احزاب ایرانی می‌توانند اصول و رویکردها و دیدگاه‌های مدونی داشته باشند که به طور طبیعی در اسناد حزبی مثل برنامه و یا بیانیه‌ها انعکاس پیدا می‌کند. اما همین احزاب امکان تدوین برنامه مدون جامع را ندارند. به دلیل اینکه برای نوشتن برنامه اداره

